

ارائه و تبیین شاخصه‌های حکمرانی فقرزدایی از منظر آموزه‌های اسلامی

امیرحسین خورشیدی اطهر (دانشجوی دکتری دانشگاه امام صادق)

محمد سلیمانی (استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق)

چکیده:

فقرزدایی در هر مکتبی و از هر آئینی یکی از وظایف عمده دولت برشمرده شده است. دولت‌ها بوسیله سیاست-گذاری و حکمرانی به فقرزدایی می‌پردازد. ابزار حکمرانی، وسیله‌ای است که در آن دولت‌ها، اهداف خویش را پیگیری می‌کنند و سعی در تحقق اهداف خویش دارند. حکمرانی فقرزدایی اشاره به آن دسته از حکمرانی دارد که هدف آن پیگیری هدف فقرزدایی است. این مقاله با استخراج شاخصه‌های حکمرانی فقرزدایی از ادبیات اسلامی، به ارائه و تبیین این شاخصه‌ها پرداخته است. بر این اساس، ۹ شاخصه مورد استحصا و استخراج قرار گرفته است که باید در حکمرانی فقرزدا مورد توجه و استفاده قرار گیرد. این ۹ شاخصه که فرایند عبور از وضع موجود به آرمان فقرزدایی را نشان می‌دهد، عبارت است از: (۱) عدالت محوری؛ (۲) رعایت کرامت انسانی؛ (۳) رعایت شان متقابل؛ (۴) رعایت قیود اجتماعی و محیطی؛ (۵) کارایی سیاست اسلامی؛ (۶) ایثار و ترویج آن؛ (۷) حفظ قوام جامعه؛ (۸) ارتقای سطح زندگی معنوی و نهایتاً (۹) زمینه سازی برای جاییابی هر فرد در نظام اقتصادی جامعه اسلامی.

کلیدواژه: فقرزدایی، حکمرانی، شاخصه، آموزه‌های اسلامی

مقدمه:

سیاست‌گذاری و حکمرانی، ابزار دولت‌ها برای تحقق آرمان‌ها و اهداف خود می‌باشند. حکمرانی را می‌توان ابزاری دانست که بوسیله آن، فرایند عبور از وضع موجود به وضع مطلوب طی خواهد شد. حکمرانی اقتصادی، نه دربردارنده رویکرد مداخله‌آمیز دولت است، نه موجب نادیده گرفتن نهادهای مردمی و نه دارای نگاه حداقلی به دولت. بلکه حکمرانی اقتصادی، به معنای در نظر گرفتن نقش راهبری دولت در عرصه‌های مختلف است.

بیان مسئله:

شهید صدر وظیفه دولت را تامین زندگی مکفی می‌داند و مفهوم آن را وسیع و قابل انعطاف بیان می‌کند به گونه‌ای که هر چه درجه رفاه عمومی بیشتر شود، معنای کفایت هم گسترش می‌یابد (صدر، ۱۳۵۷، ج ۲، صص ۳۲۹-۳۳۲). آنچه مسلم است این است که برای تحقق این وظیفه باید از ابزار درست، درست استفاده شود. حکمرانی ابزار تحقق این وظیفه دولت است اما سؤال این است که چه نوع حکمرانی از دیدگاه اسلامی مورد قبول است؟ در این خصوص باید شاخصه‌های حکمرانی مطلوب اسلامی در حوزه فقرزدایی ارائه گردد.

اهمیت و ضرورت پژوهش:

در بررسی شیوه‌های حکمرانی در منظر اسلامی، مشاهده می‌شود که یکی از وظایف دولت اسلامی اقامه کردن توازن می‌باشد (رجایی، ۱۳۹۱، ص ۲۵) که به معنی آن است که توازن خودبخود بوجود نمی‌آید. در کنار بحث توازن اصولاً در تعالیم اسلامی "عدالت" و "فقرزدایی" امری اقامه‌ای است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۱۰) زیرا رفتارهای بشری و انسانی عمدتاً بسوی بی‌عدالتی حرکت می‌کنند که ناشی از غرایز نفسانی مثل طمع، حرص و... است. تبعیت هر فرد از نفع شخصی ایجاد کننده عدالت نیست و برای تحقق عدالت و رفع فقر نیازمند نظام مدیریتی خاصی هستیم.

این مقاله به استخراج شاخصه‌های حکمرانی فقرزدایی در منظر اسلام می‌پردازیم و این شاخصه‌ها را از ادبیات اسلامی استخراج کرده و ارائه نموده‌ایم.

ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

حکمرانی:

حکمرانی یک موضوع گسترده است و می‌تواند به طور منطقی شامل نحوه کار نهادها در زمینه‌های مختلف از حقوق انسان‌ها است. حکمرانی فقرزدایی در مورد نحوه اعمال قدرت از طریق نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و اقدامات خاصی که می‌توان برای بهبود ترتیبات نهادی برای فقر انجام داد.

حکمرانی عبارت است از کلیه فرایندهای سازمان‌یافته میان دولت و مردم از طریق قوانین، هنجارها، قدرت یا زبان در یک جامعه سازمان‌یافته (Bevir, 2012). با این حال، استفاده از واژه حکمرانی به معنای وسیع‌تر فعلی آن، که شامل فعالیت طیف وسیعی از موسسات دولتی و خصوصی می‌شود ("Oxford English governance". Dictionary).

فقر و فقرزدایی

محقق حلی (۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۴۸) در مورد تعریف فقیر می‌گوید: «فقر کسانی هستند که به میزان هزینه سالیانه خود، درآمد ندارند». علامه حلی نیز در همین راستا فقیر را کسی می‌داند که درآمد وی از موونه سالیانه خود و خانواده اش کمتر می‌باشد (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۴۷). برخی از فقها، فقر را به مثابه عدم غنا تعریف کرده اند (محقق سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۸۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۱۵۶). آنچه که در خصوص تعریف فقر در تعالیم اسلامی باید مطرح نمود این است که اگرچه در تعالیم اسلامی فقر دارای دو گونه روحی و مادی است (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۴۷۸) و ابعاد مختلفی چون فکری و فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد که هر کدام از این‌ها به دیگری منتج می‌شود (همان، ج ۴، ص ۴۱۹) فقر را می‌توان اینگونه تعریف نمود: «فقر عبارت است از نیازمندی انسان، یا بی نصیب ماندن از چیزهایی که برای تأمین زندگی او و کسانی که تحت تکفل او هستند» (همان، ص ۱۶۷).

منظور از رفع فقر در ادبیات اسلامی را می‌توان برآورده ساختن و تأمین نیازهای اولیه و ضروری زندگی بشری دانست که با توجه به تصریح قرآن مجید این امر شامل (آب، غذا، مسکن و پوشاک) می‌گردد. تأمین نیازهای انسان را می‌توان در سه سطح کمتر از حدکفاف، کفاف و اتراف طبقه‌بندی نمود (رجایی، ۱۳۹۱، ص ۲۹). سطح دوم، تأمین نیازها در حد کفاف است؛ در جوامع روایی ما از این سطح با تعبیر "بما یسعهم" نام برده شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۶۱). کفاف به آن سطحی از مصرف گفته می‌شود که حاجات اولیه انسان را برطرف

کند (ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۹۱) و از آنجا که داشتن این سطح از درآمد، مانع درخواست از دیگران می‌شود، آن را حد کفاف می‌نامند (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۸، ص ۳۸۷). در کنار این تعبیر مشاهده می‌کنیم که برخی از فقها فقرا را کسانی دانسته‌اند که کفایت زندگی خود را ندارند (مانند: شیخ مفید در کتاب مقنعه، ص ۲۴۰؛ سید مرتضی در کتاب الانتصار، ص ۱۲۵؛ علامه حلی در کتاب تذکره، ج ۱، ص ۲۳۰).

پیشینه تحقیق:

ثنایی اعلم و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «ارائه الگوی اجرای خط مشی فقرزدایی در ایران براساس سند چشم انداز بیست ساله» با بررسی عوامل موثر بر اجرای خط مشی‌های فقرزدایی را در سه عرصه خط مشی‌گذاری، نهادی و عرصه خرد، طبقه بندی نظری کرده‌اند. نویسندگان در نهایت به طراحی مدل اجرای خط مشی فقرزدایی در ایران پرداخته‌اند. براساس نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که دولت باید در عرصه حکمرانی فقرزدایی به صورت اقتداری وارد عمل شود.

یاقوتی (۱۳۹۹) در مقاله خود «جستاری در نظریه فقرزدایی قرآن و روایات بر مبنای پژوهش زمینه‌ای» به بررسی نظریه فقرزدایی قرآن و روایات می‌پردازد و اشاره می‌کند که این نظریه‌ها به دو دسته علت های فردی و اجتماعی در ایجاد فقر اشاره شده است. نظریه اسلام همچنین به شرایط زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گری می‌پردازد که با دخالت در توزیع عادلانه ثروت در جامعه و کاهش انگیزه‌های تلاش برای کسب روزی به تشدید فقر در جامعه منتهی می‌شود.

در ادبیات پژوهشی متعارف نیز، مطالعات مختلفی بر رابطه بین حکمرانی و انواع پیامدهای توسعه انجام شده است. به عنوان مثال می‌توان به مطالعات: فراگ و همکاران (۲۰۱۳)؛ هولمبرگ و همکاران (۲۰۰۹)؛ لین، چین و چان (۲۰۱۴)؛ راکومار و سواروپ (۲۰۰۸)؛ اشاره کرد. با این حال، کار کمی به تجزیه و تحلیل رابطه میان حکمرانی و فقر (یا به عبارتی حکمرانی فقر) انجام شده است (Jindra & Vaz, 2019). اما با این وجود هلراد و همکاران (۲۰۱۳) و نیز عادل داوود، هلراد و گوها ساپیر (۲۰۱۶) به بررسی رابطه میان حکمرانی و فقر کودکان تمرکز دارند.

شاخصه‌های حکمرانی متعالی اقتصادی در دیدگاه اسلامی

کارگزاران نظام اسلامی باید در مقام حکمرانی و اجرای سیاست‌ها، به دنبال پیاده‌سازی آموزه‌های اسلامی در چارچوب متناسب با اقتضائات زمان و مکان باشند. حکمرانی، یک فرایند چندبعدی است که پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و در عین حال عوامل متعددی بر آن تأثیر می‌گذارند. در حکمرانی فقرزدایی موارد گوناگونی مانند نحوه تدوین مسائل، چگونگی تبدیل کردن پدیده‌ها به مسئله مرتبط با حکمرانی دولت، اتخاذ تصمیم و در نهایت اجرای تصمیمات دولتی و ارزیابی عمل دولتی قابل بررسی است. حکمرانی اساساً هدف بهبود شرایط اجتماعی را دنبال می‌کند و لذا بدیهی است که رابطه نزدیکی با مسائل مربوط به جامعه داشته باشد. در این رابطه، می‌توان گفت چهارچوب ارزشی و باورها و شیوه زندگی مردم، رابطه‌ای متقابل با حکمرانی و اتخاذ تصمیم در خصوص جهت‌گیری و نحوه تخصیص منابع دارد.

به طور خلاصه می‌توان گفت که حکمرانی برای هر جامعه، انعکاس ارزش‌های گزینش شده برای آن جامعه است و درک هر نوع از حکمرانی بدون توجه به فرهنگ جامعه و بررسی تحول ارزشی آن میسر نیست. این ارزش‌ها تعیین‌کننده بایسته‌ها و ملزومات هر سیاست و هر نوع حکمرانی نیز هستند. در حکمرانی برای یک جامعه اسلامی، باید ارزش‌ها و باورهای اسلامی به درستی فهم شده و متناسب با برداشتی جامع از این ارزش‌ها، حکمرانی صحیح از ناصحیح تمییز داده شود. باید توجه شود که با توجه به این‌که زندگی انسان‌ها دارای دو بعد، مادی و معنوی است، باید ارزش‌ها و باورهای اسلامی نیز با توجه به این دو بعد مورد تدقیق و تدوین قرار گیرد.

شاخصه‌های استخراج شده حکمرانی فقرزدایی به این شرح است:

الف) عدالت محوری

هدف اساسی پیامبران و امامان معصوم(ع)، بیان احکام و دستورهای دینی و تعلیم و تزکیه برای اقامه عدل و قسط در میان مردم بوده و در آیات فراوانی از قرآن و روایات به این مهم اشاره شده و اهمیت آن مورد تأکید واقع شده است (عیوضلو، ۱۳۸۶، ص. ۳). از نظر امام علی(ع) اصلی که می‌تواند تعادل اجتماعی را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد و به پیکر اجتماع، سلامت و به روح اجتماع آرامش دهد، عدالت است. ظلم و جور و تبعیض قادر نیست حتی روح خود ستمگر و روح آن کس را که به نفع او ستم‌گری می‌شود، راضی نگه دارد تا چه رسد به ستم‌دیدگان و پای‌مال شدگان (مطهری، ۱۳۶۸).

باید نکته‌ای خصوص عدالت، مساوات و مواسات متذکر شد: این‌که رعایت مساوات و مواسات در جای خود، همان عدالت است چراکه "پیوستگی اصول اعتقادی با گرایش‌های فقهی و احکام دینی روشن

است، زیرا دینی که عدل از اصول اعتقادی آن است و معتقد است که خدای متعال عادل است نمی‌شود، حکمی در آن یافت که موجب گسترش ظلم شود. بنابراین، مجتهد معتقد به اصل عدل نمی‌تواند به هنگام استنباط هر حکمی، از آنچه موجب تحقق عدالت در اجتماع است و موانع اجرای عدالت را بر طرف می‌سازد، چشم‌پوشد. اعتقاد به اصل عدل در گرایش‌های فقهی و فتوایی تأثیر مهمی خواهد داشت و چارچوب فتوا را تعیین می‌کند و این موضوع روشن است. از همین جاست که دو جنبه دین یعنی جنبه اعتقادی (نظری) و جنبه احکامی (عملی) آن هماهنگ می‌گردد و یکپارچگی دین در عقیده (معارف - فقه اکبر) و احکام (فقه - فقه اصغر) خدشه نمی‌پذیرد.^۱

در مورد ابعاد عدالت می‌توان گفت که عدالت را می‌توان در سه حوزه مورد بررسی قرار داد:

- عدالت پیشینی که به معنای ایجاد شرایط برابر برای افرادی که می‌خواهند وارد فعالیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شوند یا به تعبیر دیگر گسترش بهره‌مندی عادلانه از فرصت‌ها (عیوض‌لو، سخنرانی، ۱۳۹۹). معیار عدالت در این بعد مساوات و برابری است (عیوض‌لو، سخنرانی، ۱۳۹۹).
- عدالت فرایندی که به معنای این است که در یک فعالیت اقتصادی یا یک فعالیت فرهنگی یا یک فعالیت سیاسی که می‌خواهد شکل بگیرد فرایندهای عادلانه و شفاف و قانون‌مند باید بوجود بیاید. معیار این بعد هم اصل قوام، استحقاق و شایستگی است (عیوض‌لو، سخنرانی، ۱۳۹۹).
- عدالت پسینی که اصل رفاه اجتماعی در حد کفاف را بیان می‌کند و به معنای این است که حد کفاف در جامعه اسلامی تضمین شود. معیار این عدالت هم توازن و تامین حد کفاف است (عیوض‌لو، سخنرانی، ۱۳۹۹).

ب) رعایت کرامت انسانی

رعایت کرامت در رفتارهای متقابل اجتماعی، چه رفتارهای فردی و چه رفتار حکومت با مردم، در اندیشه اسلامی از درجه‌ای از اهمیت برخوردار است که در برخی روایات، اکرام مؤمن در مرتبه اکرام خداوند شمرده شده است. همان‌طور که برای ثبوت نعمت‌هایی که خداوند به انسان می‌کند، باید عملی انجام شود تا آن نعمت

^۱. حکیمی، محمد رضا، "الحياة".

به ثبوت برسد؛ در این جا نیز می توان گفت ثبوت نعمت کرامت در انسان ها، کرامت مندانه رفتار کردن با دیگران می باشد: «مَنْ زَادَهُ اللَّهُ كَرَامَةً فَحَقِيقٌ بِهِ أَنْ يَزِيدَ النَّاسَ إِكْرَامًا» (عیون الحکم و المواعظ، جلد ۱: ۴۲۵).

از سوی دیگر، طبق برخی دیدگاه ها اگر بنیان حکومت بر اساس اصول و قواعد اسلام تحکیم شده و حامی نشر معارف و ضامن اجرای حدود اسلامی باشد، آن حکومت دارای وصف کرامت است؛ همان طور که در دعای افتتاح ماه مبارک رمضان آمده است: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تَعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تَذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَّا لِدُعَاةِهِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (جوادی آملی ۹۷/۹/۲۹). درواقع می توان چنین ادعا کرد که یکی از بایسته های حکمرانی اسلامی ضرورت حفظ کرامت انسانی است. اگر حکومت دارای وصف کرامت شد، مطمئناً در رفتار با مردم، قید حفظ کرامت را ملحوظ خواهد کرد.

طبق آیه ۴۱ سوره مبارکه حج، وظیفه حاکمان علاوه بر مسئولیت ارتقای روحی و رشد امور معنوی مردم جامعه، تدبیر حل مشکلات اقتصادی و تأمین معیشت نیازمندان نیز هست (قرائتی، ۱۳۸۳، جلد ۶ - صفحه ۵۱). از این رو، امام علی (ع) یکی از اهداف حکومت صالحان را «اصلاح چشم گیر وضعیت مردم و آبادانی شهرها» برشمردند (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱). شهید مطهری در این باره می فرماید: «آن قدر این اصلاح باید اساسی باشد که [تشخیص آن] احتیاج به فکر و مطالعه نداشته باشد، علائمش از در و دیوار پیدا باشد؛ به عبارت دیگر سامان به زندگی دادن، شکم ها را سیر کردن، تن ها را پوشانیدن، بیماری ها را معالجه کردن، جهل ها را از میان بردن، اقدام برای بهبود زندگی مادی مردم، زندگی مادی مردم را سامان دادن (شهید مطهری، ۱۳۸۹: ۷۲)».

امیرالمومنین (ع) در سال پایانی حکومت، می فرماید: «امروز در کوفه همه مردم دارای سرپناه هستند و خانه دارند، سفره مردم پر از نان گندم است و آب گوارا و بهداشتی کنار خانه مردم است و امنیت لازم برای مردم ایجاد شده است» (بحارالانوار، ج ۴۰: ۳۲۷). از همین رو می توان گفت، دولت در قبال مردم وظیفه دارد معیشت آنان را تأمین کند؛ چراکه دولت اسلامی هم باید افرادی را که نمی توانند معیشت خویش را تأمین نمایند، تحت پوشش خود قرار دهد و هم باید برای عموم مردم اسباب و لوازم تأمین معیشت فراهم آورد.

در نظام اسلامی، تأمین معیشت با رعایت دو اصل نفی گداپروزی و ایجاد زمینه بروز و ظهور استعدادها، به صورت کلی در دو صورت وجود تکافل عمومی و درآمدهای عمومی دولت صورت می پذیرد (پیغامی و تفرشی، ۱۳۹۶: ۱۸). بر اساس نظر شهید صدر، فقر به معنای ناتوانی در تأمین نیازها نیست؛ بلکه ایشان از فقر به عنوان قرار نداشتن در سطح معیشت عمومی نام می برند (همان). شهید صدر تکافل اجتماعی را تنها شامل نیازهای اصلی و اساسی افراد نمی داند و درآمدهای عمومی دولت را دارای گستره وسیع تری از تأمین نیازهای

اولیه و اساسی می‌شمرد که درآمد فرد را تا حد بی‌نیازی و رسیدن به سطح عمومی معیشت جامعه کفاف دهد (صدر، ۱۴۲۹، ج ۳: ۷۸۶).

شهید صدر تکافل اجتماعی را از آن دسته اصول انسانی بر می‌شمرند که در تکلیف الهی ریشه دارد و این منطق اسلامی را محدود به یک طبقه خاص نمی‌دانند. ایشان معتقدند کسانی که در تولید سهمی ندارند نیز شامل موضوع تکافل اجتماعی هستند (صدر، ۱۴۲۹، ج ۵: ۱۰۹). همان‌گونه که از این دو شرط بر می‌آید، این‌گونه فهم می‌شود که تکافل اجتماعی مطلوب شارع، آن تکافلی است که کرامت انسان‌ها را حفظ کند و به‌گونه‌ای تکفل فقیر را بر عهده بگیرد که فرهنگ گداپروزی در جامعه رشد و نمود پیدا نکند. در کنار این اصل، دولت باید به‌گونه‌ای عمل کند که ضمن بروز استعدادهای عموم افراد، زمینه درآمدزایی ایشان و برخورداری از یک حد متوسط رفاه برای عموم فراهم شود.

علاوه بر این، طبق آموزه‌های اسلامی می‌بایست سیاست‌ها و برنامه‌های اسلامی به‌گونه‌ای توسط دولت اتخاذ شود که افراد بتوانند به‌صورت مستقل از دیگران کسب درآمد نمایند. به عنوان مثال از روایات متعددی استفاده می‌شود که انسان نباید از آغاز تا پایان عمر خود، کارگر و اجیر دیگری باشد (وسائل‌الشیعه، ج ۱۵: ۶۷ و الحیاء، ج ۲: ۳۹۸). در این خصوص مشخص است که اسلام از ایجاد وابستگی اقتصادی صرف به دیگران نهی و حذر می‌کند.

همان‌طور که اشاره شد، شهید صدر دو راهکار برای تأمین معیشتی طبقات فقیر ارائه می‌دهد که در راهکار دوم، به تبیین استفاده از درآمدهای عمومی دولت در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای فقرا و رسیدگی به آنان تا حد بی‌نیازی و نیز حد کفاف (به‌اندازه سطح معیشت عمومی جامعه) اشاره می‌کند (صدر، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۷۸۶) اما نکته مهم در این اصل، آن است که نظام توزیع در تأمین معاش و تکفل معیشتی نیز باید با رعایت ضوابط کریمانه عمل کند. این نظام باید به‌گونه‌ای سامان یابد که کرامت طرف مقابل حفظ شده و امر توزیع به بهترین وجه محقق شود که «فَیْمَا أَوْحَىٰ إِلَیْ مُوسَىٰ عَلَیْهِ السَّلَامُ: أَكْرِمِ السَّائِلَ إِذَا أَتَاكَ بِرَدٍّ جَمِیلٍ أَوْ إعْطَاءٍ یَسِیرٍ» (تحف العقول).

از سوی دیگر باید دقت داشت که اکتفای دولت به تأمین معیشت و ارتقای رفاه عموم، نمی‌تواند معیار تحقق کرامت انسانی باشد. ثروت انسان‌ها در منظر اسلام، نشان‌گر کرامت نیست. همان‌طور که قرآن کریم، توجیه ناروای برخی را درباره کرامت و اهانت انسان مطرح نموده و توهم ناصواب آنان را ابطال می‌کند؛ چراکه برخی توان‌گری را مایه کرامت می‌پنداشته‌اند و تهیدستی و فقر را مانع آن می‌دانستند. نعمت‌هایی که از جان آدمی جداست، نمی‌تواند مایه کرامت وی باشد؛ نه تنها مال و ثروت، بلکه هر نعمتی نظیر جاه، مقام و اولاد که از روح انسان جداست او را به کرامت نمی‌رساند. هم‌چنان‌که این‌گونه امور، مایه اهانت و دنائت او نیز نخواهد بود. لذا

هم کرامت و هم خواری و فرومایگی انسان رهین اوصاف نفسانی اوست (درس تفسیر سوره فجر آیت الله جوادی آملی).

(ج) رعایت شان متقابل

کمال و خیر در اندیشه خواجه نصیر دست‌یابی انسان به اموری است که متناسب با شأن و صلاح و لیاقت انسان است (حسین زاده یزدی، ۱۳۹۴، ص. ۵). حکمرانی نیز باید به گونه‌ای باشد که شان انسان‌ها در سیاست‌ها و حکمرانی حفظ گردد و اساساً این سیاست‌ها باید متناسب با شان و جایگاه اقتصادی افراد باشد. در کنار این‌که در هر حکمرانی باید علاوه بر این‌که خود سیاست متناسب با شان طرف دیگر باشد و شان و احترام وی را حفظ کند باید در اجرای سیاست نیز شان طرف مقابل رعایت و حفظ شود.

شان اقتصادی افراد مختلف متفاوت است و بر این اساس که باید در حکمرانی این نکته مدنظر قرار گیرد که شان اقتصادی افراد در وهله اول، حفظ شده و قوام پیدا کند و در وهله بعدی تقویت و گسترش شان اقتصادی را در حکمرانی مدنظر قرار گیرد.

(د) رعایت قیود اجتماعی و محیطی

قیود محیطی و اجتماعی از جمله آن مواردی است که در حکمرانی باید مورد توجه قرار گیرد. از جمله رعایت قواعد زیست محیطی، تناسب با فرهنگ و بوم منطقه، جغرافیا و محیط. در دین اسلام تاکید بر حفظ باورهای درست و ارزش‌هایی است که در هر فرهنگ و بنابر ویژگی‌های بومی آن‌ها بوجود آمده است. به عنوان نمونه می‌توان مشاهده کرد که برخی احکام اسلامی که رویکرد امضایی دارند به این دلیل است که آن حکم بر اساس یک ارزش عرفی شکل گرفته و با کلیت مبانی اسلامی در تعارض نیست (جوادی آملی، خارج فقه، ۸۹/۰۳/۰۲).

فرهنگ مناطق مختلف متفاوت است و براساس عرف هر منطقه شکل گرفته است. حکمرانی نمی‌تواند همه مناطق همه فرهنگ‌ها را به یک چشم نگاه کرده و برای آن حکمرانی کند. در این خصوص باید قیود مختلف اجتماعی (اعم از عرف مناطق مختلف و فرهنگ‌های مختلف) رعایت شود. در کنار این موضوع حکمران موظف است اهتمام خود در حفظ دیگر مخلوقات و بالخصوص محیط زیست را نیز رعایت کند و در حکمرانی خود لحاظ کند. دین اسلام علاوه بر این‌که به استفاده و بهره‌برداری از محیط زیست اشاره می‌کند در عین حال به آبادکردن و عدم صدمه رساندن به آن نیز اشاره می‌کند (قرائتی، ج ۴، ص ۸۲) و

تاکید دارد که انسان نباید آبادی و آبادانی محیط اطراف خود را تخریب کرده و از بین ببرد (قرائتی، ج ۳، ص ۸۴).

ه) کارایی سیاست اسلامی:

سازگاری و ایجاد تناسب بین ترجیحات مختلف با هزینه فرصت تولید کالاها و خدمات و حداکثر تعاون و تلاش در قالب قرارداد اجتماعی، در شرایطی امکان‌پذیر خواهد بود که ترجیحات افراد به عنوان «هویت فردی» با «هویت جمعی» آنها نیز هماهنگ باشد. در نظام اسلامی ایجاد هماهنگی و سازگاری بین این هویت‌ها در قالب شریعت اسلامی، ممکن است (عیوضلو، به نقل از گزارش الگوی جامع ملی مبارزه با فقر در ایران).

به تعبیری می‌توان چنین گفت که وظیفه یک مدل دینی مطلوب در درجه اول، همسو کردن انگیزه‌های مادی فردی (برای تولید ثروت بیشتر) و تکالیف اجتماعی (برای رفاه دیگران) است. اگر نتوان تکالیف اجتماعی و انگیزه‌های فردی را همسو کرد، در حاکمیت دین اشکال پیش می‌آید (زاهدی وفا، به نقل از گزارش الگوی جامع ملی مبارزه با فقر در ایران). از جمع‌بندی این دو بیان می‌توان این‌گونه نوشت که مدل دینی و یک سیاست دینی مطلوب سیاست و مدلی است که در آن هویت فردی (یا همان انگیزه‌های مادی فردی) با هویت جمعی (تکالیف اجتماعی) همسو باشد.

و) ایثار و ترویج آن

از اوصاف مومنان داشتن روحیه ایثارگری است. امیرمومنین (علیه السلام) ایثار را مهمترین کرامت انسانی می‌داند^۲ و در یک روایت دیگر آن را بالاترین نیکی‌ها بیان نموده است.^۳ در این خصوص باید چند نکته را مورد توجه قرار داد: گرچه ایثار امری است مستحب (برای نمونه به الدروس ج ۱، ص ۲۵۵ و مجمع الفائدة ج ۷، ص ۲۱۰ و مجمع الفائدة ج ۹، ص ۲۰۱ مراجعه کنید) و در حکمرانی اسلامی باید بدان پرداخت اما با این وجود نباید آن‌چنان بی حد و اندازه ایثار نمود که هرچه در دست هست از بین برود و دست

^۲ خیرالمکارم الایثار (غررالحکم، ص ۳۷۶)

^۳ الایثار اشرف الاحسان (غررالحکم، ص ۴۹۵)

حکمران خالی باشد (موسی صدر، ۱۳۹۸، ج ۱۲). واضح است که در اندیشه اسلامی، برای ایثار نیز حد و حصر قرار داده شده است. ایثاری مطلوب و مورد نظر است که در آن دست ایثارکننده (دولت و یا دیگر افراد) خالی نماند از این رو باید دولت در حکمرانی خویش این نکته را در نظر گیرد که آن سیاستش گرچه باید دارای مشخصه ایثار باشد ولی در عین حال نباید بی حد و حصر ایثار کند.

ز) حفظ قوام جامعه

تدقیق در اشارات و آیات قرآن کریم در ابتلائات و مسئله‌های اقتصادی نشان دهنده این است که در اندیشه اسلام، دانش اقتصاد از جایگاه خاصی برخوردار است به صورتی که از چندین آیات الهی بر می‌آید جامعه بشری و انسان‌ها آن‌چنان به توانمندی اقتصادی اتکا دارد که قوام امور فردی و اجتماعی آن‌ها در گرو آن است و برقراری این قوام و حفظ آن از وظایف حاکمان می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۵۳). قوام همان توازن اقتصادی است که باید طبق تشریع صورت پذیرد. باید این تعادل و موازنه در همه زمینه‌های تولید، توزیع و مصرف، طوری حکمرانی شود که با توجه به ویژگی‌های دینی و اولویت‌ها، خطوط کلی اقتصاد اسلامی در جامعه مشخص شود (حسینی کوهساری، ۱۳۸۵).

در کنار این موضوع می‌توان دریافت که فراتر از ضرورتی که عقل برای تشکیل حکومت درک می‌کند و آن را ابزاری لازم برای قوام اجتماع و جامعه می‌شمارد، حفظ قوام جامعه نیز یکی از مهم‌ترین هدف حکومت است که توسط عقل درک می‌گردد (رنجبر، ۱۳۹۱، ص ۴).

ح) ارتقای سطح زندگی معنوی:

یکی از با اهمیت‌ترین هدف انبیا، رشد انسان، کمال دادن به آن‌ها و ایجاد حرکت در هر دو بعد مادی و معنوی الی الله است. از این رو اگر حاکمیت بر اساس آموزه‌های انبیا باشد، باید اصلی‌ترین سیاست‌های خود را در مسیر تحقق رشد انسان‌ها و به کمال رساندن آن‌ها قرار دهد. بدین رو یکی از حقوق انسان‌ها که بر حکومت قرار داده شده است، اصلاح جامعه و هدایت‌گری جامعه در طریق کمال است؛ از همین رو، امیرالمومنین علیه السلام در صفین در مورد علت به تأخیر انداختن جنگ می‌فرمایند: «آرزو دارم عده‌ای از آنها به ما ملحق شوند و هدایت گردند و در لابه‌لای تاریکی‌ها، نور مرا نگریسته، به سوی من بشتابند.» (نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۱۰۷). به همین صورت در خطبه ۱۳۲ نیز ایشان علت جنگ‌های دوران حکومت ظاهری خود را اصلاح و بازسازی جامعه ذکر می‌کنند (همان، ص ۲۴۹). در عصر کنونی، ابزاری که می‌تواند اهداف حکومت‌ها از جمله اصلاح و بازسازی جامعه را محقق کند، حکمرانی است.

ط) زمینه سازی برای جایابی هر فرد در نظام اقتصادی جامعه اسلامی

آنچه مسلم است این است که همه مشاغل در یک تراز نیستند و بنابر ضرورت هر شغلی، استعداد خاص آن شغل و متناسب با آن شغل مورد نیاز است. حکمرانی باید به گونه‌ای باشد که زمینه جایابی هر فرد بر اساس نقش و استعداد وی در نظام اسلامی فراهم باشد (مقتدایی، درس خارج فقه، ۱۳۸۲). در این خصوص باید اشاره نمود که حکمرانی باید به گونه‌ای تنظیم شود که در آن زمینه تحقق نقش هر فرد متناسب با ویژگی‌های ذاتی و اکتسابی آن فراهم باشد.

جمع‌بندی و تحلیل شاخصه‌های حکمرانی فقرزدایی

همان‌گونه که مطرح شد، دولت‌ها برای رسیدن به آرمان و هدف خویش از ابزار حکمرانی بهره می‌برند حال آن‌که حکمرانی برای تحقق هدف مدنظر دولت‌ها نیاز دارد شاخصه‌هایی داشته باشد که آن شاخصه‌ها بر اساس هدف و مبنای دولت‌ها تنظیم گردد. بدین رو در این مقاله ۹ شاخصه‌ای در حکمرانی فقرزدایی که می‌تواند موجب تحقق بهتر فقرزدایی بر اساس تعالیم اسلامی شود، ارائه گردیده است. فقرزدایی امری است که در همه مکاتب و از جمله مکتب اسلامی، مورد توجه بوده است و بدان اهتمام ویژه داشته‌اند. در این خصوص باید دانست که تحقق هر هدفی، به هر حدی که مقدس و مطلوب هم باشد، بدون استفاده از ابزار درست و مطلوب (که در این جا حکمرانی است) نمی‌تواند اثری مطلوب گذارده و حتی هدف خود را محقق کند. از این رو، اگر حکمرانی را فرایند عبور از وضع موجود به تحقق وضع مطلوب بدانیم از این رو، مدل مفهومی زیر، به ارائه نقش این شاخصه‌ها در نسبت با تحقق فقرزدایی را نشان می‌دهد.

طبق این مدل، حکمرانی که فرایندی است شامل عبور از وضع موجود به سمت هدف که تحقق فقرزدایی است، باید بوسیله شاخصه‌هایی تحقق یابد. این شاخصه‌ها در این مقاله مورد استخراج قرار گرفته که به طور خلاصه شامل: (۱) عدالت محوری؛ (۲) رعایت کرامت انسانی؛ (۳) رعایت شان متقابل؛ (۴) رعایت قیود اجتماعی و محیطی؛ (۵) کارایی سیاست اسلامی؛ (۶) ایثار و ترویج آن؛ (۷) حفظ قوام جامعه؛ (۸) ارتقای سطح زندگی معنوی و نهایتاً (۹) زمینه سازی برای جایابی هر فرد در نظام اقتصادی جامعه اسلامی می‌باشد.



- [۱]. نهج البلاغه
- [۲]. بحارالانوار
- [۳]. ثنایی اعلم، فاطمه؛ معمارزاده طهران، غلامرضا؛ دانش فرد، کرم الله (۱۳۹۵)، ارائه الگوی اجرای خط مشی فقرزدایی در ایران براساس سند چشم انداز بیست ساله، مطالعات مدیریت راهبردی سال هفتم زمستان ۱۳۹۵ شماره ۲۸.
- [۴]. جوادی آملی، عبدالله، دروس خارج فقه و تفسیر
- [۵]. حکیمی، محمدرضا، "الحیاء"، نشر دلیل ما
- [۶]. حسینی کوهساری، سید مفید (۱۳۸۵)، پیوستگی گزاره‌های دستوری و اثباتی قرآن در حوزه اقتصاد، پژوهش های قرانی دوره ۱۲، شماره ۴۵ - شماره پیاپی ۴۵ بهار ۱۳۸۵ صفحه ۴۸-۸۹
- [۷]. حسین‌زاده یزدی، مهدی (۱۳۹۴)، تکامل و پیشرفت انسان و جامعه از دیدگاه شهید مطهری، فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی، دوره ۳، شماره ۵ - شماره پیاپی ۵ بهار ۱۳۹۴ صفحه ۳۷-۵۸
- [۸]. رجایی، سیدمحمدکاظم، (۱۳۹۱)، توازن یا عدم تداول ثروت در دست اغنیا؛ معرفت اقتصاد اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ - شماره ۷ علمی-پژوهشی، صفحه - از ۲۳ تا ۴۶ .
- [۹]. رنجبر، محمدعلی (۱۳۷۸)، تبیین نقش «عصمت» و «تقوا» در تحقق اهداف حکومت اسلامی، معرفت سال بیست و یکم - شماره ۱۷۲ - فروردین ۱۳۹۱، ۴۶-۳۱
- [۱۰]. سرآبادانی تفرشی، حسین؛ پیغامی، عادل (۱۳۹۶)، «تبیین مفهومی نظریه عدالت اجتماعی در اندیشه شهید صدر»، نقد و نظر، تابستان ۱۳۹۶، دوره بیست و دوم - شماره ۲ علمی-پژوهشی/ISC (۳۰ صفحه - از ۳۵ تا ۶۴).
- [۱۱]. عیوضلو، حسین (۱۳۸۶)، شاخص‌های عدالت اقتصادی، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- [۱۲]. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران؛ مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش، چاپ یازدهم
- [۱۳]. لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم - ایران.
- [۱۴]. صدر، محمد باقر (۱۹۸۲)، اقتصادنا، بیروت: دارالفکر.
- [۱۵]. صدر، موسی (۱۳۹۸)، گام به گام با امام، تهران: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر

- [۱۶]. صدر، موسی (۱۳۹۱)، ادیان در خدمت انسان، تهران: موسسه امام موسی صدر.
- [۱۷]. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۷ق)، دایره المعارف فقه مقارن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)
- [۱۸]. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، قم؛ صدرا،
- [۱۹]. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، سیری در سیره نبوی، تهران: صدرا.
- [۲۰]. یاقوتی، ابراهیم (۱۳۹۹)، جستاری در نظریه فقرزدایی قرآن و روایات بر مبنای پژوهش زمینه ای، پژوهشنامه قرآن و حدیث دوره ۱۴ پاییز و زمستان ۱۳۹۹ شماره ۲۷.

- [21]. Bevir, Mark (2012). Governance: A very short introduction. Oxford, UK: Oxford University Press. ISBN 9780191646294
- [22]. Daoud, A., Halleröd, B., & Guha-Sapir, D. (2016). What is the association between absolute child poverty, poor governance, and natural disasters? A global comparison of some of the realities of climate change. PLoS One, 11(4), 1–20. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0153296>
- [23]. Farag, M., Nandakumar, A. K., Wallack, S., Hodgkin, D., Gaumer, G., & Erbil, C. (2013). Health expenditures, health outcomes and the role of good governance. International Journal of Health Care Finance and Economics, 13(1), 33–52. <https://doi.org/10.1007/s10754-012-9120-3>
- [24]. "governance". Oxford English Dictionary (Online ed.). Oxford University Press
- [25]. Holmberg, S., Rothstein, B., & Nasiritousi, N. (2009). Quality of government: What you get. Annual Review of Political Science, 12(1), 135–161. <https://doi.org/10.1146/annurev-polisci-100608-104510>
- [26]. Halleröd, B., Rothstein, B., Daoud, A., & Nandy, S. (2013). Bad governance and poor children: A comparative analysis of government efficiency and severe child deprivation in 68 low- and middle-income countries. World Development, 48, 19–31. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2013.03.007>
- [27]. Jindra, Christoph, Vaz, Ana, (2019). Good governance and multidimensional poverty: A comparative analysis of 71 countries, Governance, Volume 32, Issue 4 October 2019, Pages 657-675
- [28]. Lin, R.-T., Chien, L.-C., Chen, Y.-M., & Chan, C.-C. (2014). Governance matters: An ecological association between governance and child mortality. International Health, 6(3), 249–257. <https://doi.org/10.1093/inthealth/ihu018>
- [29]. Rajkumar, A. S., & Swaroop, V. (2008). Public spending and outcomes: Does governance matter? Journal of Development Economics, 86(1), 96–111. <https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2007.08.003>